

رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محسن دستگیر^۱، مجتبی کاکایی دهکردی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی است. در این پژوهش با استفاده از حذف سیستماتیک تعداد ۱۰۴ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کمی تجزیه و تحلیل آماری شامل روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه (مدل لاجیت) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تعداد روزهای تغییر قیمت سهام با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه ندارد اما درصد افزایش قیمت سهام با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری دارد، پس نتایج بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل، تجدید ارائه صورت‌های مالی، مدل لاجیت.

۱. استاد بازنشسته حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز و

هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی هشت بهشت اصفهان، اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری مؤسسه آموزش عالی

هشت بهشت اصفهان، اصفهان

مقدمه

تجدید ارائه و مستمر ارقام در دوره‌های پی در پی و رواج آن میان شرکت‌های ایرانی، به اعتبار صورت‌های مالی آسیب می‌زند و موجب تخصیص و توزیع ناکارآمد ثروت و کاهش اعتماد مردم به بازارهای سرمایه می‌شود (بهارمقدم و دولت‌آبادی، ۱۳۹۱). از پیامدهای منفی دیگر تجدید ارائه ارقام مالی، اثر آن بر اعتبار حرفه حسابرسی است. لیو و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، تجدید ارائه این صورت‌ها را ضعف حسابرس تلقی می‌کنند.

بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، هدف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مفید برای استفاده‌کنندگان آن در جهت اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی است. سودمندی و مفید بودن اطلاعات، در قالب ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی نمود پیدا می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی، قابلیت اتکا و اطمینان است. قابلیت اتکا و اطمینان، به صورت عاری بودن از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت تعریف می‌شود. در ایران اکثر تجدید ارائه‌ها که انجام می‌گیرد به خاطر اصلاح اشتباهات صورت‌های مالی می‌باشد و به استفاده‌کنندگان اطمینان نسبی داده می‌شود که صورت‌های مالی عاری از اشتباه با اهمیت هستند (قدیریان‌آرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

در سال‌های اخیر مطالعاتی انجام پذیرفته که ادعان دارند مدیران همواره به صورت کاملاً عقلایی رفتار نکرده و مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بالا هستند اکثراً نسبت به تصمیمات خود و نتایج آن‌ها به خصوص در زمینه تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار خوش‌بین هستند (حیدری، ۱۳۹۳) و تحت تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و خوش‌بینی‌های زیاد، ممکن است تصمیماتی غیرعقلایی اتخاذ کنند که تأثیری مهم بر فعالیت‌های مالی شرکت دارد (حیدری، ۱۳۹۳).

در دو مورد از اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل نیاز به تجدید ارائه صورت‌های مالی احساس می‌شود:

اول زمانی که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل شرکت می‌تواند به صورت ناخواسته اظهار نظر غلط بدهد. اظهار نظر غلط به این دلیل است که مدیر عامل خودرأی شرکت به درستی معتقد است که مفروضات اساسی که در رفتار حسابداری وجود دارد، برآوردهایی خوش‌بینانه و غیر واقع‌بینانه هستند، یعنی مدیر عامل خودرأی شرکت، نظر حسابرسان را خوش‌بینانه و نظر خود را منطقی می‌داند پس باعث به وجود آمدن اظهار نظر غلط می‌شود. که نیاز به تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد (هریبار و یانگ، ۲۰۱۱).

دوم زمانی که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل می‌تواند به صورت ارادی اظهار نظر غلط ایجاد کند و مدیر عامل از اظهار نظر غلط آگاه است اما برای توجیه اظهار نظر غلط، مدیر عامل معتقد است که در آینده آن اظهار نظر عملکرد خود و شرکت را پوشش می‌دهد و باعث می‌شود اظهار نظر حسابداری جبران شود که نیاز به تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

در این پژوهش به بررسی اثر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداخته شده است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر تجدید ارائه صورت‌های مالی اثرگذار است؟

مبانی نظری

تجدید ارائه صورت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران نه تنها بیانگر مشکلات عملکرد دوره گذشته است بلکه نوعی پیش‌بینی مشکلات آتی برای شرکت و مدیریت آن نیز محسوب می‌شود و موجب سلب اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به اعتبار و شایستگی مدیریت و کیفیت سودهای گزارش شده می‌شود. بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد که صورت‌های مالی اغلب شرکت‌ها دارای تعدیلات سنواتی است. در ایران بیش‌تر تعدیلات سنواتی مربوط به اصلاح اشتباهات است، بنابراین وجود تعدیلات سنواتی با زبان ساده یعنی این که در صورت‌های مالی سال‌های گذشته اشتباهات با اهمیت وجود داشته است و اگر سهام‌داران با دقت بیش‌تری به صورت‌های مالی نگاه کنند تعدیلات سنواتی حامل یک پیام منفی در مورد اعتبار صورت‌های مالی است (بزرگ‌اصل، ۱۳۸۷).

همانطور که پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند، تجدید ارائه‌ها سبب ایجاد کاهش عمده در میانگین قیمت سهام برای شرکت‌های تجدید ارائه کننده شده‌اند. بدین ترتیب کشف و اصلاح هرگونه اشتباه حسابداری منجر به انتقال اطلاعات نامطلوب درباره شرکت تجدید ارائه کننده ناشی از کاهش اعتبار صورت‌های مالی و کیفیت پایین حسابداری، هشدار می‌دهد. همچنین تجدید ارائه‌ها ممکن است به سرمایه‌گذاران در مورد وخیم‌تر شدن احتمالی وضعیت اقتصادی شرکت تجدید ارائه کننده هشدار دهند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۴).

انگیزه‌های تجدید ارائه صورت‌های مالی در سه گروه طبقه‌بندی شده است: گروه نخست، انگیزه شرکت‌هایی که دارای مشکل سودآوری و نقدینگی کم می‌باشند. این شرکت‌ها تمایل بیش‌تری دارند تا با انجام اقدامات متقابلانه و مرتکب شدن اشتباه، نتایج مالی خود را بهبود بخشند. گروه دوم، انگیزه شرکت‌هایی که تمایل دارند با انجام تقلب و اشتباه، انتظارات و پیش‌بینی‌های

بازار را برآورد سازند. گروه سوم، انگیزه ناشی از برخی قراردادهاست، قراردادهای پاداش وابسته به ارزش سهام و عملکرد شرکت نمونه‌ای از این قراردادهاست (بهارمقدم و دولت‌آبادی، ۱۳۹۱). اعتماد به نفس بیش از حد مدیران یک صفت است که توسط فرد تحت تأثیر به رسمیت شناخته نشده است. در ادبیات مدیریت، اعتماد به نفس بیش از حد شامل: اول خوش‌بینی (درست بودن نتایج پیش‌بینی شده)، دوم اعتماد به نفس بیش از حد (افزایش اعتماد به نفس در احتمال نتایج) می‌باشد. اعتماد به نفس بیش از حد به عنوان ارزیابی بیش از حد از دقت اطلاعات خصوصی شرح داده شده است (گرواس و همکاران، ۲۰۰۳). خوش‌بینی نشان دهنده تعصب مثبت سازگار در برآورد است. هم اعتماد به نفس بیش از حد و هم خوش‌بینی نمونه‌هایی از تعصب مثبت در پیش‌بینی نتایج هستند، همچنین اعتماد به نفس بیش از حد بر روی تصمیمات مالی سرمایه‌ای تأثیر می‌گذارند. اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل شرکت نیز ممکن است به صورت بیش از حد غیر واقع‌بینانه محیط گزارشگری مالی خوش‌بینانه‌ای را ایجاد کند، بیش‌تر به طور خاص، شرکت‌هایی که مدیران خودرأی دارند احتمال بیش‌تری دارد که برآوردهای حسابداری دست نیافتنی به جای محافظه‌کار ایجاد کند. ممکن است مدیر عامل شرکت بیش از حد تحت تأثیر گزارش‌های مالی تصمیم‌گیری، به ویژه آنهایی که شامل قضاوت هستند قرار بگیرند (هافلدر، ۲۰۱۲؛ مورفی، ۲۰۱۲).

بنابراین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل این احتمال را افزایش می‌دهد که خطای بیش از حد خوش‌بینانه در وهله اول به وجود آید. اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل مانع از توانایی برای یادگیری می‌شود (برهمر، ۱۹۸۰). اگر مدیر عامل شرکت خطایی که رخ داده است را به رسمیت بشناسد، به خاطر تعصبی که دارد به سختی در نظر خود تغییر ایجاد می‌کند و این باعث می‌شود که گزارش‌های مالی بیش از حد خوش‌بینانه می‌شود.

ادبیات اعتماد به نفس بیش از حد نشان می‌دهد که مدیران اجرایی خودرأی هستند و از اعتماد به نفس بیش از حد خود آگاه نیستند برای مثال مالمدیر و تات (۲۰۰۸) دریافتند که در صورت وجود جریان نقدی آزاد اضافی، شرکت با اعتماد به نفس بیش از حد نمایش داده شده، مدیران اجرایی تمایل بیش‌تری به سرمایه‌گذاری دارند، فرض آن‌ها این است که مدیران اجرایی خود رأی برای ایجاد پروژه‌هایی با ارزش فعلی مثبت، توانایی خود را دست بالا می‌گیرند و این امر باعث می‌شود که خطرات پروژه‌ها نادیده گرفته شود. به روش مشابه می‌توان استدلال کرد که مدیران اجرایی خودرأی ممکن است اطمینان غیر منصفانه خوش‌بینانه‌ای در مورد موقعیت مالی شرکت و نتایج حاصل از عملیات را ارائه کنند (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل شرکت به خاطر اشتباهات در پیش‌بینی‌هایش می‌باشد چون وی در پیش‌بینی‌ها اشتباه کرده است و چون از این اشتباه آگاه نیست به نتایج پیش‌بینی‌ها اعتقاد دارد و به آن‌ها مطمئن است. پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) فرض می‌کنند که مدیران اجرایی خودرأی آگاهانه از تعصبات خود حمایت می‌کنند پس چون فکر می‌کنند پیش‌بینی‌هایشان درست است از آن‌ها حمایت می‌کنند که این باعث می‌شود که اگر پیش‌بینی‌ها نادرست باشند باعث ترویج گزارشگری مالی غیرواقعی‌بانه می‌شود.

اسچراند و زچمن (۲۰۱۰) نشان دادند که اجرای اعتماد به نفس بیش از حد باعث افزایش احتمال تقلب در صورت‌های مالی می‌شود اما مطالعه پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل شرکت در تجدید ارائه صورت‌های مالی به قصد فریب نیست یکی از اصول کلیدی فرضیه آن‌ها این است که مدیران اجرایی خودرأی بیش‌تر به طور سیستماتیک روی پیش‌بینی‌های خود به شیوه‌ای خوش‌بینانه تعصب دارند در حالی که از لزوم تعصب خود آگاه نیستند. مدیر زمانی اعتماد به نفس بیش از حد دارد که دارای خوش‌بینی زیادی از عملکرد خود باشد که در پژوهش‌های قبلی از مقایسه سود پیش‌بینی شده با سود واقعی به عنوان شاخصی از اعتماد به نفس بیش از حد استفاده شده است، یعنی اگر سود پیش‌بینی شده توسط مدیر بیش‌تر از سود واقعی شود، مدیر از عملکرد خود بسیار راضی و خوشنود می‌شود و به عملکرد آینده خود خوش‌بین می‌شود و به اعتماد به نفس بیش از حدی می‌رسد و خود را از همه مدیران در زمینه مدیریت برتر می‌داند. اما در پژوهش حاضر از دو شاخص دیگر یعنی تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و درصد افزایش قیمت سهام برای اندازه‌گیری اعتماد به نفس بیش از حد استفاده شده است، یعنی زمانی که مدیر ببیند که تعداد روزهای افزایش قیمت سهام بیش‌تر از تعداد روزهای کاهش قیمت سهام است یا درصد افزایش قیمت سهام بیش‌تر از درصد کاهش قیمت سهام است از عملکرد خود راضی و خوشنود می‌شود و خود را بهترین مدیر می‌داند و به عملکرد آینده شرکت خود خوش‌بین می‌شود و باعث می‌شود که به اعتماد به نفس بیش از حدی برسد.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

گوال و تاکور (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و انتخاب مدیر عامل شرکت و اداره امور شرکت پرداختند. آن‌ها نشان دادند که اعتماد به نفس بیش از حد، ریسک‌گریزی مدیر عامل را افزایش می‌دهد تا به یک نقطه برسد اما اثر آن غیر یکنواخت است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل باعث بهبود

دقت اطلاعات ارائه شده به سرمایه‌گذاران می‌شود اما برای پروژه‌های کاهش سرمایه‌گذاری، یعنی با افزایش اعتماد به نفس مدیر عامل اداره امور شرکت بهبود پیدا می‌کند.

اسچاندر و زچمن (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان اعتماد به نفس بیش از حد مدیران اجرایی و میل به سمت تقلب پرداختند. شواهد آن‌ها اینگونه نشان می‌دهد که بین مدیران خودرأی و خودشیفته و متقلب تمایز وجود دارد. اما هیچ مدرکی وجود ندارد که در شرکت‌هایی که مدیران اعتماد به نفس بیش از حد دارند تقلب کاهش پیدا کند، پس نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بیش از حد باعث افزایش میل به سمت تقلب می‌شود.

کارسلو و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مشارکت مدیر عامل در انتخاب هیأت مدیره و اثربخشی کمیته حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که نگرانی‌ها در مورد خطرات ناشی از نادیده گرفتن کنترل و اختلال در کیفیت گزارشگری مالی از طرف مدیران افزایش می‌یابد زمانی که مدیر عامل در انتخاب اعضای هیأت مدیره دخالت دارد.

اسچاندر و زچمن (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مسئولین اجرایی و میل به گزارشدهی نادرست صورت‌های مالی پرداختند. مدارک و شواهد پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر اجرایی باعث میل به گزارشدهی نادرست صورت‌های مالی می‌شود.

هریبار و یانگ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و پیش‌بینی مدیریت پرداختند. نتایج به دست آمده به صورت متمرکز در میان شرکت‌هایی که پیش‌بینی‌های مدیریت خود را به صورت پراکنده ارائه می‌کنند را نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بیش از حد باعث می‌شود مدیران انعطاف‌پذیری بیش‌تری در تعیین خواص پیش‌بینی داشته باشند.

نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) در پژوهشی در پی یافتن الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران بودند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سودآوری، اهرم مالی، طول دوره تصدی مدیریت، تغییر حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بین استقلال هیأت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیر عامل با تجدید ارائه صورت‌های مالی ارتباط معناداری وجود ندارد

و بین کیفیت حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تقی‌زاده و حساس‌یگانه (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (ساختار هیأت مدیره و ساختار مالکیت) و متغیرهای مالی (سطح بدهی، اندازه شرکت) روی تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی و بین اندازه هیأت مدیره و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت وجود دارد در بین متغیرهای مالی، سطح بدهی با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت و ورشکستگی با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی دارد.

عربصالحی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با استفاده از رگرسیون لجستیک به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در دوره زمانی مورد بررسی، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: بین تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲: بین درصد افزایش قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی است که در ادامه به توصیف آن‌ها پرداخته می‌شود:

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌باشد.

متغیرهای مستقل

برای اندازه‌گیری متغیر مستقل (اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل) با تعدیل شاخص‌های به‌کار گرفته شده در پژوهش المندیر و تات (۲۰۱۱) و کمپل و همکاران (۲۰۱۱) از دو شاخص

به شرح زیر استفاده می‌شود: شاخص اول تعداد روزهای تغییر قیمت سهام می‌باشد. که برای اندازه‌گیری آن، اگر در طول سال مالی تعداد روزهای افزایش قیمت سهام بیش‌تر از تعداد روزهای کاهش قیمت سهام شرکت باشد، فرض می‌شود اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت وجود دارد و برای آن عدد یک در نظر گرفته می‌شود، در غیر این صورت، عدد صفر به جای متغیر قرار داده می‌شود. شاخص دوم درصد افزایش قیمت سهام می‌باشد. که برای اندازه‌گیری آن، اگر درصد افزایش قیمت سهام بیش‌تر از درصد کاهش قیمت سهام باشد، فرض می‌شود اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت وجود دارد و به آن عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی عوامل زیادی هستند که بر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی اثر می‌گذارند بنابراین به دلیل کم کردن انحرافات نتایج پژوهش، تعدادی از این عوامل که اثر بیش‌تری بر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی دارند را به عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر آورده می‌شوند:

تعداد اعضای هیأت مدیره که برای اندازه‌گیری آن باید تعداد مدیران هیأت مدیره نوشته شود.

درصدی از اعضای هیأت مدیره که مدیران غیرموظف هستند. که برای اندازه‌گیری آن باید تعداد مدیران غیرموظف را بر کل مدیران هیأت مدیره تقسیم کرده و درصد آن‌ها محاسبه شود. متغیر شاخص با ارزش یک اگر رئیس هیأت مدیره همان مدیر عامل باشد و در غیر این صورت دارای ارزش صفر است.

اهرم مالی که برای محاسبه آن باید کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها تقسیم شود. متوسط درصد تغییر در کل دارایی برای ۲ سال پایانی قبل از سال تجدید ارائه صورت‌های مالی که باید درصد تغییر در کل دارایی‌ها را برای ۲ سال پایانی قبل از سال تجدید ارائه صورت‌های مالی برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کردند وارد شود.

جریان‌های نقدی عملیاتی سال t منهای میانگین هزینه‌های سرمایه‌ای سال‌های $t-1$ و $t-2$ و $t-3$ تقسیم بر درصد تغییرات دارایی‌های $t-1$.

نرخ بازده دارایی‌ها که از طریق تقسیم سود عملیاتی متوسط بر دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

مدل آزمون فرضیه‌ها

مدل مورد استفاده جهت آزمون فرضیه اول به شرح زیر است:

مدل ۱:

$$\begin{aligned} RESTATE_{it} = & \beta_0 + \beta_1 NSPID_{it} + \beta_2 BOARDSIZE_{it} \\ & + \beta_3 \%OUTSIDER_{it} + \beta_4 CEOCHAIR_{it} \\ & + \beta_5 LEVERAGE_{it} + \beta_6 FINANCE_{it} + \beta_7 GROWTH_{it} \\ & + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon \end{aligned}$$

$RESTATE_{it}$: تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت i در سال t که اگر صورت‌های مالی مورد تجدید ارائه قرار گیرند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

$NSPID_{it}$: تعداد روزهای تغییر قیمت سهام شرکت i در سال t که اگر در طول سال مالی تعداد روزهای افزایش قیمت سهام بیش‌تر از تعداد روزهای کاهش قیمت سهام شرکت باشد، فرض می‌شود اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت وجود دارد و برای آن عدد یک در نظر گرفته می‌شود؛ در غیر این صورت، عدد صفر به جای متغیر قرار داده می‌شود.

$BOARDSIZE_{it}$: تعداد اعضا (مدیران) هیأت مدیره شرکت i در سال t می‌باشد.
 $\%OUTSIDER_{it}$: درصد اعضای هیأت مدیره که مدیران غیرموظف شرکت i در سال t هستند.

$CEOCHAIR_{it}$: متغیر شاخص شرکت i در سال t با ارزش یک اگر رئیس هیأت مدیره همان مدیر عامل باشد و در غیر این صورت دارای ارزش صفر است.

$LEVERAGE_{it}$: اهرم مالی شرکت i در سال t که برابر با کل بدهی تقسیم بر کل دارایی است.

$FINANCE_{it}$: جریان‌های نقدی عملیاتی سال t منهای میانگین هزینه‌های سرمایه‌ای سال‌های $t-1$ و $t-2$ و $t-3$ تقسیم بر درصد تغییرات $t-1$ (دارایی‌های جاری $t-1$) در شرکت i در سال t می‌باشد.

$GROWTH_{it}$: متوسط درصد تغییر در کل دارایی برای ۲ سال پایانی قبل از سال تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت i در سال t می‌باشد.

ROA_{it} : نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال t که از طریق تقسیم سود عملیاتی متوسط بر دارایی‌ها محاسبه شده است.

مدل مورد استفاده جهت آزمون فرضیه دوم به شرح زیر است:

مدل ۲:

$$\begin{aligned} RESTATE_{it} = & \beta_0 + \beta_1 PIS_{it} + \beta_2 BOARD SIZE_{it} + \beta_3 \% OUTSIDER_{it} \\ & + \beta_4 CEO CHAIR_{it} + \beta_5 LEVERAGE_{it} + \beta_6 FINANCE_{it} \\ & + \beta_7 GROWTH_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon \end{aligned}$$

PIS_{it} : درصد افزایش قیمت سهام شرکت i در سال t که اگر درصد افزایش قیمت سهام بیش‌تر از درصد کاهش قیمت سهام باشد، فرض می‌شود اعتماد به نفس مدیران بیش‌تر است و به آن عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از رویکرد پس‌رویدادی استفاده می‌کند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق صورت‌های مالی حسابرسی شده و نرم‌افزار تدبیرپرداز جمع‌آوری شده‌اند. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۰ آماده و سپس تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار ایوبوز ۸ و استتیا ۱۲ انجام شده است.

جامعه آماری و نمونه آزمایش

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ هستند در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده می‌شود.

۱. شرکت‌های واسطه‌گری مالی و لیزینگ نباشند.
 ۲. قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان ۱۳۹۲ جزء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشند.
 ۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداشته باشند.
 ۴. سهام آن‌ها بیش از ۳ ماه توقف معامله نداشته باشند.
 ۵. کلیه داده‌های مورد نیاز آن‌ها قابل دسترس و در اختیار باشند.
- که بعد از انجام محدودیت‌های فوق روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعداد ۱۰۴ شرکت به مدت ۱۰ سال مورد بررسی قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها

در ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت مطالعه محاسبه شده است. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف معیار است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	شاخص چولگی	شاخص کشیدگی	مجموع مجذور خطاها
تجدید ارائه	RESTATE	۰/۶۹۴۶	۱	۱	۰	۰/۴۶۰۷	-۰/۸۴۵۰	۱/۷۱۴۱	۲۲۰/۱۸۹۸
درصد افزایش قیمت سهام	PIS	۰/۶۱۹۴	۱	۱	۰	۰/۴۸۵۷	-۰/۴۹۲۰	۱/۲۴۲۱	۲۴۴/۶۸۶۹
تعداد روزهای تغییر قیمت سهام	NSPID	۰/۴۴۷۰	۰	۱	۰	۰/۴۹۷۲	-۰/۲۱۳۱	۱/۰۴۵۴	۲۵۶/۵۸۵۷
تعداد اعضای هیأت مدیره	BOARDSIZE	۵/۰۲۱۱	۵	۷	۳	۰/۲۶۶۲	۴/۵۶۳۴	۵۴/۱۷۸۴	۷۳/۵۳۳۷
مدیرعامل بودن رئیس هیأت مدیره	CEOCHAIR	۰/۲۱۱۹	۰	۱	۰	۰/۴۰۸۸	۱/۴۰۹۶	۲/۹۸۷۱	۱۷۳/۳۷۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول ۱ دیده می‌شود میانگین تجدید ارائه، درصد افزایش قیمت سهام، تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و مدیر عامل بودن رئیس هیأت مدیره عددی بین صفر و یک است چون این متغیرها، متغیرهای مجازی هستند و فقط دارای مقادیر صفر و یک می‌باشند به همین دلیل میانه و بیشینه و کمینه هم یکی از این دو مقدار می‌باشد. انحراف معیار یکی از شاخص‌های پراکندگی است که میزان پراکندگی داده‌ها را نسبت به میانگین تعیین می‌کند هر چه مقدار انحراف معیار داده‌ها کمتر باشد یعنی داده‌ها متمرکزتر هستند و از دقت بیش تری برخوردار هستند، که همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود همه انحراف معیارها کم تر از ۰/۵ هستند یعنی داده‌ها متمرکز هستند و تعداد اعضای هیأت مدیره با ۰/۲۶۶۲ دارای کم ترین انحراف معیار است. شاخص چولگی میزان انحراف هر توزیع از توزیع نرمال را نشان می‌دهد. اگر شاخص چولگی برابر صفر باشد یعنی میانه و میانگین باهم برابر و توزیع داده‌ها یک توزیع نرمال (مقارن) است اما شاخص چولگی مثبت باشد یعنی مقدار میانگین از میانه بیش تر است و این حالت را چولگی به راست گویند اما اگر شاخص چولگی منفی باشد یعنی مقدار میانگین از میانه کم تر است و در این حالت چولگی به چپ گفته می‌شود. همانطور که در جدول ۱ دیده می‌شود در متغیرهای تجدید ارائه، درصد تغییر قیمت سهام چولگی به چپ دارند و بقیه متغیرها چولگی به راست دارند. اندازه بلندی (اوج) مربوط به منحنی هر توزیع، را شاخص کشیدگی (نقطه اوج) می‌نامند شاخص کشیدگی توزیع نرمال ۳ است و اگر شاخص کشیدگی کم تر از ۳ باشد یعنی کشیدگی توزیع داده‌ها کوتاه تر و کم تر از کشیدگی توزیع نرمال است، پراکندگی توزیع داده‌ها از

توزیع نرمال بیش‌تر است و تمرکز جامعه حول میانگین از توزیع نرمال کم‌تر است، که در متغیرهای تجدید ارائه، درصد افزایش قیمت سهام، تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و مدیر عامل بودن رئیس هیأت مدیره اینگونه است. حال اگر شاخص کشیدگی بیش‌تر از ۳ باشد کشیدگی توزیع داده‌ها بلندتر و بیش‌تر از توزیع نرمال است، پراکندگی توزیع داده‌ها از توزیع نرمال بیش‌تر است و تمرکز داده‌ها حول میانگین از توزیع نرمال بیش‌تر است، همانطور که در شکل ۱ دیده می‌شود تعداد اعضای هیأت مدیره اینگونه است.

یافته‌های پژوهش

به طور کلی تحقیقات بر فرضیه یا فرضیاتی که به صورت نوعی سؤال برای محقق مطرح شده مبتنی است و در نتیجه پس از طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات آنچه به دست می‌آید باید در جهت تأیید یا رد این فرضیه باشد. نتایج جدول ۲ از تجزیه و تحلیل مدل اول به دست آمده است:

که با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول ۲ دیده می‌شود، در سطح ۹۵ درصد تعداد روزهای تغییر قیمت سهام با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری ندارد. پس فرضیه اول که بیانگر وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌باشد تأیید نمی‌شود.

جدول ۲: نتایج مدل اول

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره Z	درصد احتمال
عرض از مبدأ	۰/۷۸۹۳	۱/۴۴۳۳	۰/۵۴۶۹	۰/۵۸۴۴
تعداد اعضای هیأت مدیره	۰/۲۸۹۲	۰/۲۸۰۲	۱/۰۳۲۱	۰/۳۰۲۰
مدیر عامل بودن رئیس هیأت مدیره	۰/۷۹۸۲	۰/۱۹۸۱	۴/۰۲۸۹	۰/۰۰۰۱
تقسیم جریان نقدی بر دارایی	۱/۵۵۲۴	۱/۸۶۲۵	۰/۸۳۱۴	۰/۴۰۵۷
متوسط تغییر در کل دارایی دو سال پیش	-۰/۲۱۱۳	۰/۱۳۰۲	-۱/۶۲۱۷	۰/۱۰۴۸
اهرم مالی	-۰/۰۲۷۶	۰/۱۶۰۹	-۰/۱۷۱۹	۰/۸۶۳۴
غیر موظف بودن مدیران	-۲/۱۰۶۶	۰/۴۴۴۶	-۴/۷۳۷۴	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	۰/۴۴۳۹	۰/۵۱۷۹	۰/۸۵۷۰	۰/۳۹۱۴
نسبت درست‌نمایی مک فادن	۰/۰۴۲۳	آماره LR		۵۴/۰۶۲۴
درصد احتمال	۰/۰۰۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

که با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول ۳ دیده می‌شود، در سطح ۹۵ درصد، درصد افزایش قیمت سهام با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری دارد. پس فرضیه دوم که بیانگر وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین درصد افزایش قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌باشد تأیید نمی‌شود، چون رابطه به صورت منفی و معنادار است.

جدول ۳: نتایج مدل دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره z	درصد احتمال
عرض از مبدأ	۰/۹۷۰۱	۱/۴۰۷۵	۰/۶۸۹۲	۰/۴۹۰۷
درصد افزایش قیمت سهام	-۰/۴۸۲۷	۰/۱۴۶۹	-۳/۲۸۴۸	۰/۰۰۱۰
تعداد اعضای هیأت مدیره	۰/۲۸۸۲	۰/۲۷۱۶	۱/۰۶۱۱	۰/۲۸۸۶
مدیر عامل بودن رئیس هیأت مدیره	۰/۸۳۱۷	۰/۱۹۷۷	۴/۲۰۵۵	۰/۰۰۰۰
تقسیم جریان نقدی بر دارایی	۱/۳۱۲۸	۱/۶۹۸۶	۰/۷۷۵۸	۰/۴۳۷۹
متوسط تغییر در کل دارایی دو سال پیش	-۰/۲۰۸۰	۰/۱۳۱۰	-۱/۶۷۳۷	۰/۰۹۴۲
اهرم مالی	-۰/۰۲۱۸	۰/۱۵۳۷	-۰/۱۴۱۸	۰/۸۸۷۲
غیر موظف بودن مدیران	-۲/۱۱۱۷	۰/۴۴۸۷	-۴/۷۰۵۹	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	۰/۵۷۳۴	۰/۵۲۵۸	۱/۰۹۰۵	۰/۲۷۵۵
نسبت درستمایی مک فادن		۰/۰۴۸۷	آماره LR	۶۲/۲۴۳۴
درصد احتمال		۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون درصد صحت پیش‌بینی نتایج

آزمون درصد صحت پیش‌بینی نتایج که در مدل لاجیت کاربرد دارد، دارای دو حالت می‌باشد که در حالت اول بر اساس محاسبه احتمال برابری متغیر وابسته با اعداد صفر و یک می‌باشد و نتایج آن برای مدل اول در جدول ۴ آمده است و طبق آن درصد صحت پیش‌بینی مشاهدات $y=0$ برابر $1/58$ درصد و برای مشاهدات $y=1$ برابر $97/78$ درصد و در حالت کلی برابر $68/40$ درصد است. در حالت دوم نتایج بر اساس محاسبه امید ریاضی مشاهدات با مقادیر صفر و یک ارائه شده است و نتایج آن برای مدل اول در جدول ۴ آمده است و طبق آن درصد صحت پیش‌بینی مشاهدات $y=0$ برابر $33/83$ درصد و برای مشاهدات $y=1$ برابر $70/91$ درصد و در حالت کلی برابر $59/58$ درصد است. که هر چه این مقدار به 100 درصد نزدیک‌تر باشد، توان تبیین مدل بالاتر خواهد بود.

جدول ۴: درصد صحت پیش‌بینی نتایج مدل اول

	$y=0$	$y=1$	کل
درصد صحت پیش‌بینی نتایج	٪۱/۵۸	٪۹۷/۷۸	٪۶۸/۴۰
درصد صحت پیش‌بینی نتایج	٪۳۳/۸۳	٪۷۰/۹۱	٪۵۹/۵۸

منبع: یافته‌های پژوهش

این آزمون برای مدل دوم در جدول ۵ آمده است و طبق آن برای حالت اول دیده می‌شود که درصد صحت پیش‌بینی مشاهدات $y=0$ برابر ۲/۲۱ درصد و برای مشاهدات $y=1$ برابر ۹۶/۹۵ درصد و در حالت کلی برابر ۶۸/۰۲ درصد است و برای حالت دوم دیده می‌شود که درصد صحت پیش‌بینی مشاهدات $y=0$ برابر ۳۴/۳۲ درصد و برای مشاهدات $y=1$ برابر ۷۰/۹۱ درصد و در حالت کلی برابر ۵۹/۸۸ درصد است. که هر چه این مقدار به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، توان تبیین مدل بالاتر خواهد بود.

جدول ۵: درصد صحت پیش‌بینی نتایج مدل دوم

	$y=0$	$y=1$	کل
درصد صحت پیش‌بینی نتایج حالت	٪۲/۲۱	٪۹۶/۹۵	٪۶۸/۰۲
درصد صحت پیش‌بینی نتایج حالت	٪۳۴/۳۲	٪۷۱/۱۲	٪۵۹/۸۸

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون هاسمر - لمشو

آزمون هاسمر - لمشو نیز برای بررسی قدرت توضیح‌دهندگی مدل‌های لاجیت و پروبیت قابل استفاده است. آزمون مذکور، مشاهدات واقعی و برآورد شده مربوط به متغیر وابسته را به طبقاتی رده‌بندی می‌کند و در هر طبقه میزان برابری مقادیر پیش‌بینی شده و واقعی مقایسه می‌نماید و بر اساس مقایسه‌های صورت گرفته دو آماره با نام‌های آماره هاسمر - لمشو و آماره اندروز ارائه می‌کند، در هر دو آماره مذکور فرضیه صفر مبتنی بر برابری مشاهدات پیش‌بینی شده و واقعی مربوط به متغیر وابسته (توان تبیین بالای مدل برآورد شده) و فرضیه مقابل بیانگر توان تبیین ضعیف مدل است که همانطور که در جدول ۶ دیده می‌شود در مدل اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه صفر تأیید نمی‌شود. همچنین با توجه به جدول ۷ در مدل دوم هم فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود.

جدول ۶: آزمون هاسمر و لمشو برای مدل اول

	مقدار	درصد احتمال
آماره هاسمر و لمشو	۹/۲۰۴۶	۰/۳۲۵۳
آماره اندروز	۹/۳۰۱۴	۰/۵۰۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷: آزمون هاسمر و لمشو برای مدل دوم

	مقدار	درصد احتمال
آماره هاسمر و لمشو	۶/۱۳۷۹	۰/۶۳۳۹
آماره اندروز	۹/۳۶۱۴	۰/۴۹۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین تعداد روزهای تغییر قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود ندارد این در حالی است که پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) در پژوهش خود به یک رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر رسیده‌اند پس نتایج این پژوهش با پژوهش آن‌ها مطابقت ندارد. شاید یکی از دلایلی که می‌تواند عامل معنادار نبودن این رابطه باشد این امر باشد که تعداد روزهای تغییر قیمت سهام در نمونه مورد بررسی شاخص خوبی از اعتماد بیش از حد نبوده است یعنی در نمونه مورد بررسی اگر تعداد روزهای افزایش قیمت سهام بیش‌تر از تعداد روزهای کاهش قیمت سهام باشد نمی‌توان به این نتیجه رسید که مدیر عامل دارای اعتماد به نفس بیش از حد است و دلیل این است که بازار بورس اوراق بهادار تهران دارای کارایی ضعیف است و عوامل زیادی بر قیمت سهام تأثیرگذار است که بسیاری از این عوامل قابل کنترل نیستند مثلاً یکی از این عوامل خبرها و تنش‌های سیاسی است که تأثیر شدیدی بر قیمت سهام می‌گذارد و این عوامل از حیطه مدیریت مدیران خارج است.

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد افزایش قیمت سهام و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که این نتیجه با نتیجه پژوهش پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) مطابقت ندارد چون آن‌ها به یک رابطه مثبت و معنادار بین این متغیرها رسیدند، شاید یکی از دلایل نتیجه مذکور این است که درصد افزایش قیمت سهام نمی‌تواند شاخص خوبی برای اعتماد بیش از حد مدیر عامل در شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش باشد، به

این دلیل که کارایی بازار بورس اوراق بهادار تهران ضعیف است و عوامل زیادی وجود دارند که بر قیمت سهام تأثیرگذارند، و تنها نمی‌توان گفت که افزایش قیمت‌ها به خاطر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل می‌باشد. شاید اگر محیط اقتصادی و شرایط شرکت‌های استفاده شده در این پژوهش همانند شرکت‌های استفاده شده در پژوهش پرسلی و ابوت (۲۰۱۳) بود احتمالاً نتایج پژوهش‌ها باهم تطابق داشت اما دیده می‌شود که در شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش شاخص‌های استفاده شده برای اعتماد بیش از حد شاخص‌های مناسبی نیستند. در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش، نتیجه می‌شود که بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

محدودیت‌ها

همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف مورد نظر با کندی همراه شود. این پژوهش نیز به عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنی نیست. لذا در این قسمت با ارائه محدودیت‌های پژوهش، سعی بر آن است که به خواننده این پیام داده شود تا بتواند در تعمیم نتایج پژوهش با آگاهی بیش‌تری عمل کند و در مورد فرآیند پژوهش قضاوت عادلانه‌ای داشته باشد. در این راستا محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است:

- داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نشده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.
- ناقص بودن اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، به دلایلی نظیر مخدوش بودن فایل‌های موجود آن‌ها و عدم امکان دسترسی به اطلاعات مذکور.
- عدم استفاده از اطلاعات شرکت‌های غیر بورسی به دلیل عدم امکان دسترسی به اطلاعات آن‌ها، تسری نتایج پژوهش را به این شرکت‌ها با احتیاط رو به رو می‌سازد.
- از آنجایی که در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده شد، و برخی از صنایع از قبیل سرمایه‌گذاری، لیزینگ و بیمه به علت ماهیت خاص فعالیت آن‌ها از جامعه آماری کنار گذاشته شده‌اند. لذا نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به تمامی صنایع را ندارند.
- با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه احتیاط رعایت گردد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با انجام هر کار علمی راه به سوی مسیر جدیدی باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بدین لحاظ پژوهش‌هایی که در ادامه نتایج این پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ✓ با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، چون تجدید ارائه صورت‌های مالی باعث سلب اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به اعتبار و شایستگی مدیریت و کیفیت سودهای گزارش شده می‌شود و همچنین درصد افزایش قیمت سهام روی تجدید ارائه صورت‌های مالی اثرگذار است، مدیران باید توجه‌ای ویژه به درصد افزایش قیمت سهام داشته باشند.
- ✓ با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، چون درصد افزایش قیمت سهام رابطه منفی و معناداری با تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود اگر شرکتی دارای تجدید ارائه صورت‌های مالی بود درصد افزایش قیمت سهام را مورد بررسی قرار دهند تا تفسیر اشتباهی از تجدید ارائه صورت‌های مالی نداشته باشند.
- ✓ برای تقویت بیش‌تر نتایج پژوهش می‌توان از متغیرهای جایگزین استفاده کرد مثلاً برای اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل از شاخص‌های دیگری مثل اعتماد به نفس^۱ به پیروی از هوانگ و همکاران^۲، جیانگ و همکاران^۳، لین و همکاران^۴ و پارک و کیم^۵ و از طریق تفاوت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت و سود واقعی محاسبه می‌شود استفاده کرد و نتایج را با نتایج این پژوهش مقایسه کرد.
- ✓ می‌توان رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل را به جای تجدید ارائه صورت‌های مالی با معیارهای دیگر مثل بازده سهام و به دست آورد.
- ✓ می‌توان رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و تجدید ارائه صورت‌های مالی را برای شرکت‌های درمانده به دست آورده شود و با نتایج این پژوهش مقایسه کرد.
- ✓ مدل‌های این پژوهش برای تمام صنایع عضو نمونه آماری به صورت یکجا برآورد شده‌اند. از این رو پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، هر یک از مدل‌های این پژوهش برای صنایع مختلف به تفکیک برآورد شود.

1. Confidence
 2. Huang et al
 3. Jiang et al
 4. Lin et al
 5. Park and Kim

منابع و مأخذ

- بزرگ‌اصل، م. (۱۳۸۷). تعدیلات سنواتی و حقوق سهامداران. دنیای اقتصاد، صفحه بورس، ۲ مرداد.
- بهارمقدم، م. و دولت‌آبادی، م. (۱۳۹۱). ”بررسی مقایسه‌ای کیفیت سود گزارش شده با سود تجدید ارائه شده“. *مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۴ (۱۴): ۱-۱۹.
- تقی‌زاده، س. و حساس‌یگانه، ی. (۱۳۹۳). ”تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی و مالی روی تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران“. *نشریه تحقیقات مالی*. مقاله آماده انتشار. پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۸ شهریور ۱۳۹۳.
- حیدری، م. (۱۳۹۳). ”بررسی تأثیر عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر چسبندگی هزینه: نقش تعدیلی عوامل اقتصادی و عوامل مبتنی بر نظریه نمایندگی در آن“. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱ (۲): ۱۵۱-۱۷۲.
- عربصالحی، م.، امیری، ه. و کاظمی‌نوری، س. (۱۳۹۳). ”بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی“. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، (۲۰): ۱۱۵-۱۲۸.
- قدیریان‌آرانی، م.، صفاجو، م. و فتاحی‌نافچی، ح. (۱۳۹۴). ”بررسی تأثیر مدیریت سود بر تجدید ارائه صورت‌های مالی“. *مجله دانش حسابداری*. در نوبت چاپ.
- موسوی، ر.، جباری، ح. و طالب‌بیدختی، ع. (۱۳۹۱). ”بررسی ارتباط برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با تجدید ارائه صورت‌های مالی. اولین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمان‌ها.
- نیکبخت، م. و رفیعی، ا. (۱۳۹۱). ”تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران“. *مجله دانش حسابداری*، (۹): ۱۶۷-۱۹۴.
- Brehmer, B. (1980). In one Word: Not from Experience. *Acta Psychologica*, 45: 223-241.
- Campbell, T.C., Gallmeyer, M., Johnson, S.A., Rutherford, J. and Stanley, B.W. (2011). “CEO Optimism and Forced Turnover”. *Journal of Financial Economics*, 101 (3): 695-712.

Carcello, J., Neal, T., Palmrose, Z. and Scholz, S. (2011). "CEO Involvement in Selecting Boardmembers and Audit Committee Effectiveness". *Contemporary Accounting Research*, 28 (2): 396-430.

Gervais, S., Heaton, J. and Odean, T. (2003). Overconfidence, investment policy, and executive stock options. In L. Rodney (Ed.), Working paper. White Center for Financial Research, 15-21.

Goel, A. and Thakor, A. (2008). "Overconfidence, CEO Selection, and Corporate Governance". *Journal of Finance*, 63 (6): 2737-2784.

Hoffelder, K. (2012). Audit relationships more challenging than audits. CFO.com August 2. http://www3.cfo.com/article/2012/8/auditing_pcaob-audit-rotation-auditcommittee-Aicpa.

Hribar, P. and Yang, H. (2011). CEO confidence and management earnings forecasting. Working paper (<http://ssrn.com/abstract=929731>).

Hribar, P. and Yang, H. (2013). "CEO Overconfidence and Management Forecasting". *The Accounting Review*, 89 (2): 187-200.

Larwood, L. and Whittaker, W. (1977). "Managerial Myopia: Self-serving Biases in Organizational Planning". *Journal of Applied Psychology* 62: 194-198.

Liu, L.L., Raghunandan, K. and Rama, D. (2009). "Financial Restatements and Shareholder Ratifications of the Auditor". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28 (1): 225-240.

Malmendier, U. and Tate, G. (2005). "Does Overconfidence Affect Corporate Investment? CEO Overconfidence Measures Revisited". *European Financial Management*, 11 (5): 649-659.

Malmendier, U. and Tate, G. (2008). "Who Makes Acquisitions? CEO Overconfidence and the Market's Reaction". *Journal of Financial Economics*, 89 (1): 20-43.

Murphy, M. (2012). Nell Minow says governance has a long way to go. WSJ.com. June 26. <http://blogs.wsj.com/cfo/2012/06/26/nell-minow-says-governance-has-a-longways-to-go/>.

- Presley, T.J. and Abbott, L.J. (2013). "AIA Submission: CEO Overconfidence and the Incidence of Financial Restatement". *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 29 (1): 74-84.
- Richardson, V.J., Palmrose, Z.V. and Scholz, S. (2004). "Determinants of Market Reactions to Restatement Announcements". *Journal of Accounting and Economics*, 37 (1): 59-89.
- Schrand, C. and Zechman, S. (2010). "Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Fraud". *Journal of Accounting and Economics*, 40: 111-129.
- Schrand, C. and Zechman, S. (2012). "Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Fraud". *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2): 311-329.